



برخورداری از تمکن مالی است، پس کسانی که پول ندارند چگونه باید از این طریق به خدا تقرب پیدا کنند؟ یا مثلاً، انجام حج مستلزم بهره‌مندی از استطاعت است، کسانی که از چنین استطاعتی برخوردار نیستند چه باید بکنند؟ بالاتر از اینها، جهاد و شهادت در راه خداست، کسانی که موفق به جهاد نمی‌شوند یا اصلاً برایشان واجب نیست چگونه می‌توانند تکامل پیدا کنند و به ثواب الهی برسند؟ به عبارت دیگر، این سؤال چنین مطرح می‌شود که چرا خدا به بعضی از بندگان ویزگی‌هایی نداده تا بتوانند از برخی نعمت‌های

راه تقرب به خدا

زنان بسیاری در خانواده‌های مرفه زندگی می‌کرده‌اند، حتی در جاهایی مانند کاخ فرعون، ولی به سعادت رسیده‌اند. در مقابل، زنان دیگری هم بوده‌اند که در خانواده پیامبران علیهم‌السلام پرورش یافته‌اند یا با آنها معاشر بوده‌اند، ولی در عین حال، از پست‌ترین انسان‌ها بوده‌اند. هیچ‌کدام از اینها تعیین‌کننده نیست: نه پول و ثروت تعیین‌کننده

بائوان و

جهاد آنان در منزل

اشاره

دیدار آشنا از این پس در نظر دارد به منظور اشاعه فرهنگ دینی و تقویت جایگاه و نقش خانواده‌ها در تربیت فرزندان و استحکام و انسجام خانواده‌ها و تذکارتی به نقش هریک از همسران در خانه، گوشه‌ای از بیانات ارزشمند استاد فرزانه، حضرت آیه الله مصباح یزدی دام‌ظله، را به خوانندگان محترم تقدیم نماید. آنچه در پی می‌آید، برگرفته از سخنرانی معظم له در جمع همسران دانش‌پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته‌الله در اردوی آموزشی تابستان ۱۳۶۳ در تهران است.

سعادت و شقاوت انسان است، نه فقر و تنگدستی، نه مرد بودن و نه زن بودن.

اگر کسی بخواهد به قرب الهی برسد، باید ببیند خدا از او چه می‌خواهد؛ همان را انجام دهد. در اسلام، برخی از اعمال موجب تقرب به خدا می‌گردد؛ مثلاً نماز، روزه، انفاق، حج، جهاد و مانند آن. در اینجا، این سؤال مطرح می‌شود که مثلاً، انفاق که موجب نزدیکی انسان به خدا می‌گردد شرطش

او استفاده کنند؟ این سؤال به صورت‌های دیگری در زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز مطرح بوده است؛ مثلاً، اینکه چرا جهاد بر زنان واجب نیست؟

پیکار زنان

به دلیل اینکه جهاد یکی از بزرگ‌ترین وسایل تقرب و تکامل انسان به خداست، زنانی که

درست است که جهاد

در میدان جنگ و

با کفار بر شما

(زنان) نیست و از

این طریق، نمی‌توانید

به ثواب جهاد نایل

شوید، اما چنان

نیست که از ثواب

جهاد محروم باشید.

شما هم می‌توانید

اعمالی انجام دهید

که در ثواب مجاهدان

شریک باشید.

اخلاص بیش‌تری داشتند و می‌خواستند از این ثواب بهره‌مند شوند، به یکدیگر می‌گفتند: باید به پیامبر ﷺ عرض کنیم که چرا ما باید از این سعادت و استفاده از این وسیله تکامل بخش محروم باشیم؟ چطور باید این ضعف را جبران کنیم؟ یکی از زنان که با فضیلت‌تر از سایرین و در سخن گفتن ممتاز بود، قرار شد به عنوان نماینده از طرف آنها، این سؤال را با آن حضرت مطرح نماید. او خدمت پیامبر ﷺ رسید و بیانی شیوا، این سؤال را مطرح کرد که یا رسول الله، مردان همه فضیلت‌ها را به خودشان اختصاص داده‌اند؛ از جمله، بالاترین فضیلت را که جهاد در راه خداست، اما ما زنان از اینها محرومیم. پیامبر ﷺ هم به این سخنان گوش دادند و در بیاناتی فرمودند: «جهاد المرأة حسن التبعل».

یعنی، درست است که جهاد در میدان جنگ و با کفار بر شما واجب نیست و از این طریق، نمی‌توانید به ثواب جهاد نایل شوید، اما چنان نیست که از ثواب جهاد محروم باشید. شما هم می‌توانید اعمالی انجام دهید که در ثواب مجاهدان شریک باشید. «جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.» برای خوب شوهرداری کردن، باید به چند مقدمه توجه نمود:

نقش زن در موفقیت شوهر

خداوند انسان را به گونه‌ای آفرید که لازم است زن و مرد زندگی مشترکی داشته باشند؛ نه مرد می‌تواند به تنهایی زندگی کند و نه زن. البته به طور عادی، چنین چیزی امکان‌پذیر نیست و گر نه استثنای بسیاری وجود دارد؛ در شرایط خاصی، مردان یا زنانی یافت می‌شوند که مجرد زندگی می‌کنند. اما در هر صورت، اقتضای طبیعی و فطری مرد و زن این است که با هم زندگی نمایند. در واقع، زندگی خانوادگی واحد مشترکی است که دو رکن آن زن و مرد است.

اگر کانون خانواده دچار آشفتگی، نابسامانی، برخوردهای زننده و بالاخره، ناهماهنگی بین زن و مرد باشد، نه مرد می‌تواند زندگی سالمی داشته باشد و نه زن. هیچ‌کدام نمی‌توانند به زندگی مطلوبی دست یابند و خود را از بهره‌های مادی این جهانی هم محروم می‌کنند. آنچنان برای خود گرفتاری به وجود می‌آورند که هیچ‌کدام نمی‌توانند نقش خود را

در جامعه به نحو احسن ایفا کنند. در نتیجه، از سیر معنوی خود هم باز می‌مانند. به عبارت ساده‌تر، وقتی مرد می‌تواند وظیفه خود را در جامعه به خوبی انجام دهد - به میدان جهاد برود - که در زندگی خانوادگی خود گرفتاری نداشته و از این حیث، آسوده خاطر باشد؛ یعنی، دلگرم باشد به اینکه همسرش بچه‌های او را خوب تربیت می‌کند و نگرانی برایش به وجود نمی‌آید. در میدان تجارت هم وقتی می‌تواند با خاطری جمع به کار خود بپردازد که فکرش فقط متمرکز در کارش باشد.

اما مردی که با نگرانی از خانه خارج می‌شود و تا ظهر هم فکرش مشغول است، نمی‌تواند موفق باشد. در نتیجه، اگر کار برای او اصل باشد، در کارش پیشرفتی نخواهد کرد؛ اگر تحصیل برای او اصل باشد، در کسب علم راه به جایی نخواهد برد و در هر صورت، در هیچ زمینه‌ای موفقیت لازم را به دست نخواهد آورد. تنها زمانی مرد می‌تواند این نقش را با آسودگی ایفا کند که در محیط خانوادگی، از آرامش برخوردار باشد. کلید این کار تنها در دست همسران آنهاست. آنها هستند که می‌توانند با اخلاق خوب و رفتار شایسته خود چنان محیط مناسبی در خانه برای شوهران خود فراهم آورند تا آنها بتوانند در زمینه فعالیت‌های مادی و معنوی و فردی و اجتماعی، نقش خود را درست ایفا کنند.

ولی اگر بعکس، رفتار زن در خانه فکر مرد را مشوش سازد،

فرصت پیشرفت و موفقیت را در تمام زمینه‌های مزبور از او می‌گیرد؛ نه می‌تواند در مسائل اجتماعی به جایی برسد، نه در مسائل فردی، نه مادی و نه معنوی. بنابراین، مرد در صورتی می‌تواند خدمات شایسته‌ای را در این زمینه‌ها انجام دهد که همسر شایسته‌ای در خانه داشته باشد. می‌توان گفت: مردان دست کم، نیمی از موفقیت‌شان را مدیون زنان خود هستند؛ چون آنها بساکمک خود امکان چنین موفقیت‌هایی را فراهم آورده‌اند. معنای این سخن آن است که کار زن فقط به مسائل ظاهری خانه مربوط نمی‌شود، بلکه کار او در ارتباط با مسائل مشترک خانوادگی است؛ به موازات آنچه شوهرش در بیرون خانه انجام می‌دهد، او در خانه نقش دارد.

وظایف هر یک از زن و مرد

به عبارت روشن‌تر، هر یک از ما از آن جهت که انسان هستیم، وظیفه‌ای داریم؛ از آن جهت هم که از صنف خاصی هستیم، وظیفه‌ای دیگر بر دوشمان است. برخی وظایف مشترک بین همه انسان‌هاست، چه زن باشند، چه مرد؛ مثلاً همه باید نماز بخوانند، روزه بگیرند، آنها که استطاعت دارند به حج بروند، آنها که مکتبی دارند خمس و زکات بدهند و مانند آن. این وظایف اختصاص به زن یا مرد تنها ندارد. در این قسمت، نه مرد محتاج زن است، نه زن محتاج مرد؛ هر یک وظایف مستقلی دارند که اگر انجام دهند از نتایجش بهره‌مند می‌شوند. اما وظایف خاصی هم هست که مختص جنس مرد یا جنس زن است. مرد به دلیل ویژگی‌های خاص طبیعی و تکوینی‌اش، وظایفی دارد؛ زن نیز وظایفی متناسب با خصوصیات جسمی و روحی‌اش دارد. این دو وظیفه در خانواده در مقابل هم قرار دارند؛ چون زندگی خانوادگی میان زن و مرد مشترک است. بنابر این، سه نوع وظیفه برای انسان وجود دارد:

اول، وظایف مشترک میان زن و مرد؛
دوم، وظایف مخصوص زنان؛
سوم، وظایف مخصوص مردان.

ویژگی‌های خاص مرد - ساختمان طبیعی و تکوینی‌اش - اقتضا می‌کند که مرد کارهای سخت و اجتماعی را عهده‌دار باشد. در مقابل، ویژگی‌های ساختمانی روحی و جسمی زن اقتضا دارد که زن کارهایی را که به دقت، لطافت و ظرافت نیاز دارد، انجام دهد. این دو وظیفه در مقابل هم قرار دارند. اگر به مردان دستور داده شده که کارهای سخت و دشواری مانند شرکت در جنگ‌ها به عهده گیرند، زنان هم موظف شده‌اند کارهای دیگری انجام دهند تا همان ثواب و پاداش مردان را ببرند. البته معنای این سخن آن نیست که وظایف مشترک فدای مسائل اجتماعی گردد. به آن وظایف هم در جای خود باید عمل شود.

نتیجه آنکه خدای متعال برای هر یک از مرد و زن وظایفی قرار داده که اگر آنها را بشناسند و به درستی انجام دهند، به اوج سعادت و کمال انسانی می‌رسند، هر چند در خانه فرعون یا در زندان باشند. بعکس، اگر از انجام آنها تخلف کنند، بدبخت می‌شوند، هر چند در خانه پیغمبر خدا باشند، پس جای نگرانی وجود ندارند. همه باید با اراده مصمم بخواهند و مسیر کمال را بپیمایند تا به اوج انسانیت برسند؛ تا نخواهند به جایی نمی‌رسند. این بهانه است که برخی





از زنان می‌گویند محیط به ما اجازه کمال انسانی و تقرب به خدا نمی‌دهد یا می‌گویند: شوهرم خوب نیست. نه زن می‌تواند نزد خداوند بهانه‌ای بیاورد و نه مرد. خداوند راه این بهانه‌ها را بر همه بسته است. برای رسیدن به تکامل، آیا جایی سخت‌تر از خانه فرعون پیدا می‌شود؟ آیا خانه فرعون مانع از رسیدن آسیه به مقامی شد که الگوی حتی مردان جهان واقع شود؟ باید متوجه باشیم که اگر در مسائل معنوی خودمان همت به خرج نداده‌ایم، تقصیر آن را به گردن دیگران نیندازیم.

البته شرایط، تأثیر دارد و کسی منکر این نیست. آیات و روایات هم بر این معنا دلالت دارند. اما اینها تعیین‌کننده نیست. آنچه سعادت و شقاوت انسان را تعیین می‌کند، در نهایت، خواست خود فرد است.

اهمیت نقش همسران اهل علم

توصیه من به خواهران محترم این است که قدر موقعیتی را که خدای متعال به آنها عنایت فرموده بدانند؛ بیندیشند که در سایه این موقعیت، چقدر می‌توانند رشد معنوی داشته باشند. هر کس در کار خیری به دیگری کمک کند، از ثواب آن کار به همان اندازه، بهره‌مند خواهد شد؛ هم از ثواب نیت کار خیر و از ثواب انجام آن. اما کارهای خیر با هم تفاوت دارند. کار خیری که همسران مردان اهل علم بدان مشغولند، یکی از بزرگترین و شریف‌ترین کارهایی است که یک انسان می‌تواند انجام دهد. اگر این کار را با اخلاص انجام دهند، کمک به شوهرانشان در واقع، مشارکت غیر مستقیم در کارهای آنهاست؛ یعنی، کمک به کسانی که بهترین کارها را در زندگی انجام می‌دهند و می‌توانند به اسلام و جمهوری اسلامی خدمات ارزنده‌ای ارائه نمایند. این کار تأثیر عظیمی در گسترش اسلام و صدور انقلاب دارد. البته آثارش محسوس نیست و به سرعت هم به دست نمی‌آید، اما در دراز مدت، نتایج ارزنده‌ای برای مسلمانان در سطح جهان خواهد داشت. باید بدانید که خداوند از شما چه انتظاری دارد، از شما خواسته که خوب شوهرداری کنید. در سایه کمک به همسرانتان در فراهم آوردن کانون گرم خانوادگی و ایجاد صفا و آرامش در آن می‌توانید در ثواب کارهای شوهرانتان شریک باشید. ممکن است بعضی از زنان از

فضایل و ثواب‌هایی بهره‌مند باشند که خداوند آنها را حتی به همسرانشان هم نداده است. ارزش کار و عبادت بیش از هر چیز منوط به داشتن اخلاص است، اگر - خدای نکرده - نیت مردی در کار، عبادت یا کسب علم خالص نباشد، اما همسرش در خانه با نیتی خالص به او کمک کند، به دلیل اخلاصش در عمل، خداوند به او ثوابی مرحمت می‌کند که حتی شوهرش از آن بی‌نصیب است؛ چون چنان اخلاصی نداشته است.

پس نه تنها زنان از فضایل محروم نیستند، بلکه می‌توانند در فضایل همسرانشان شریک باشند و حتی مهم‌تر از آن، بر آنان سبقت بگیرند. این مهم در صورتی میسر است که در کارشان خلوص داشته باشند و البته هر قدر نیت خالص‌تر و پاک‌تر باشد، ثواب و نتیجه معنوی بیش‌تری خواهد داشت. ■

